

چهره روز

مازیار معاونی
منتقد سینمابه بهانه همکاری رسول صدرعاملی
در قامت تهیه کننده با فیلم اولی‌ها

فیلمساز جوانگرا

علاقه‌مندان قدیمی‌تر حوزه هنر و رسانه، فیلمساز ۶۸ ساله سینمای ایران را از عرصه مطبوعات و فعالیت به عنوان یک خبرنگار پیگیر و شاخص سال‌های دهه پنجاه خوششیدی می‌شناسند. خبرنگار فعالی که در سن بیست و چهار سالگی و در بحبوحه حوادث منتهی به وقوع انقلاب سال ۱۳۵۷ در مرکز فرماندهی انقلاب واقع در نوفل‌لوشاتوی فرانسه حضور پیدا کرد و تنها مصاحبه و مستند تصویری بجا مانده از آن بازه تاریخی حساس را به نام خود ثبت نمود.

صدرعاملی پرشور اما در عرصه خبر و رسانه متوقف نماند و حوزه فیلمسازی را به عنوان دومین عرصه کاری خود برگزید. پس از تهیه فیلم «خونبارش» به عنوان نخستین گام حرفه‌ای صدرعاملی که در همکاری با امیر قویدل جوان و در آغاز راه رقم خورد فیلم «رهایی» را که یکی از اولین آثار مرتبط با جنگ بود کارگردانی کرد که در حکم ورودش به دنیای کارگردانی بود.

فیلمساز تازه کار سینمای ایران در سن سی سالگی با فیلم «گل‌های داوودی» جایگاه خود را در مقام یک کارگردان قابل‌اعتنا تثبیت کرد. فیلمی در گونه ملودرام و با پس‌زمینه سیاسی که مطابق جریان سینمایی متداول آن سال‌ها پرداختن به فساد ساختار حکومتی پهلوی دوم از خطوط پررنگ آن بود. بی‌زن امکاتیان با این فیلم به شهرت رسید و پروانه مصوم‌ی و زنده یادان جمشید مشایخی و داوود رشیدی یکی از نخستین حضورهای پررنگ خود در سینمای پس از انقلاب را تجربه کردند. صدرعاملی دهه شصت و ابتدای دهه هفتاد را با دو فیلم تحسین شده پاییز (۱۳۶۶) و قربانی (۱۳۷۱) به یادگار برد که هر دو زمینه‌های ملودرامیک پرزنگی داشتند و از بهترین بازیگران موفق‌ی همچون امین تارخ، داریوش ارجمند و ابوالفضل پورعرب بهره می‌بردند. بازیگرانی که در آن زمان دعوت صدرعاملی برایشان یک برگ برنده به حساب می‌آمد.

نقطه عطف دوم کارنامه فیلمسازی صدرعاملی، نیمه دوم دهه هفتاد و در دوران استقرار دولت موسوم به اصلاحات بود. او در این سال‌ها که فضای اجتماعی و هنری نسبت به قبل بازتر شده بود و دو فیلم موفق «دختری با کفش‌های کتانی» و «من ترانه پانزده سال دارم» را ساخت که همچنان از آثار شاخص سینمای اجتماعی تاریخ سینمای ایران محسوب می‌شوند. آثاری با بن‌مایه‌هایی جسورانه با محوریت دختران جوان که صدرعاملی باز هم برای ایفای نقش اول آنها از دو بازیگر نوجوان یعنی پگاه آهنگرانی و ترانه علیدوستی استفاده کرده بود. بازیگرانی که بی‌تردید بخش مهمی از جایگاه فعلی خود در سینمای ایران را مدیون‌ی هستند که برای ایفای یک نقش اول سینمایی به آنها با تمام بی‌تجربگی هایشان اعتماد کرد.

دهه‌های هشتاد و نود خوششیدی، دهه‌های قابل‌اعتنایی برای این فیلمساز پیشکسوت از نظر کارگردانی نبودند و او با آثاری نظیر «دیشب باباتو دیدم آید»، «شب»، «سال دوم دانشکده من» و... نتوانست موفقیت‌سسال‌های دور خود را تکرار کند، هر چند فیلمساز اصفهانی جوانگرا و معتقد به سپردن میدان به جوانان در این سال‌ها حمایت خود از جوانان تازه‌کار را با حمایت از پسرش میلاد صدرعاملی و دیگر جوانان ابتدای راه سینمای ایران ادامه داد تا آثار قابل‌اعتنایی نظیر شقایق پروانه (۱۳۹۸) و جنگل پرتقال (۱۴۰۱) که به ترتیب محمد کارت و آرمین خوانساریان جوان کارگردانی آنها را بر عهده داشتند با حمایت این پیشکسوت قابل احترام سینمایی ایران امکان ساخت و عرضه پیدا کنند. صدرعاملی در اواخر دهه هفتم زندگی خود همچنان پرشور و سرحال و بانگیزه است و به نظر می‌رسد همچنان خبرهای خوبی از او خواهیم شنید.



تقدیم شده به

۳۳۰ شهید پالایشگاه آبادان

مهرداد خوشبخت: عده‌ای از کارکنان شرکت نفت در شرایط جنگی بدون اینکه مأموریت یا دستوری داشته باشند، شخصاً تصمیم می‌گیرند قطعات آکبند تمام انبارهای پالایشگاه آبادان را از محاصره شهر خارج کنند، کاری که با موفقیت انجام می‌شود تا از کارکنانی عادی تبدیل به دلوران قهرمانی شوند که با این جسارت، تمام پالایشگاه‌های کشور را از تعطیلی نجات می‌دهند. این فیلم تقدیم شده به ۳۳۰ شهید پالایشگاه آبادان. / **دلنوشته کارگردان «گل‌های باورده»**



آرزیو فیلمساز

یک چیز برای من مهم است؛ اینکه مخاطب، شهید بروجردی را در پایان فیلم احساس کند

پلان آخر

فرهنگی

Culture@irannewsaper.com

«غریب» دهمین فیلم سینمایی محمدحسین لطیفی و دومین اثر او در حوزه سینمای مقاومت و دفاع مقدس پس از «روز سوم» است. این فیلم به مقطعی از دوران فرماندهی شهید محمد بروجردی در منطقه غرب، پیش از آغاز جنگ تحمیلی و دفاع مقدس می‌پردازد. فیلم، شمایی از احوال باطنی، سبک زندگی و شیوه فرماندهی شهید بروجردی با نگاهی به دوره‌ای کوتاه از زندگی و تلاش او برای ایجاد اتحاد در غرب کشور است. بابک حمیدیان، مهران احمدی، رحیم نوروزی، هزیر سام احمدی، پردیس پورعابدینی، محمدرسول صفری، سام کبودوند، حسام محمودی و فرهاد قائمیان با حضور افشاری جعفر دهقان، سامیه لک، سمیرا کریمی و محمد بروجردی در این اثر سینمایی بازی کرده‌اند. «غریب» محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است و تهیه‌کنندگی آن را حامد عنقا برعهده دارد.

سال‌های زیادی است که شنیده می‌شود فراد است فیلم با سریالی

درباره شهید محمد بروجردی ساخته شود. چطور قرعه به نام شما افتاد؟

شاید پروژه شهید بروجردی سه‌م من بوده. همان طور که قرار نبود «روز سوم» را من بسازم اما جمله تهیه‌کننده من را دگرگون کرد که گفت: «ما در سینمای دفاع مقدس، شکست خوردیم و داریم عقب‌نشینی می‌کنیم. ناپلئون بناپارت می‌گفت اگر در جبهه‌ای رفتید و از آن ناحیه شکست خوردید، هیچ‌وقت با همان فرماندهی، همان محور و همان سربازها، هیچ عملیاتی را انجام ندهید. یکی از این موارد را عوض کنید، یا فرمانده یا محور و یا سربازها. ما می‌خواهیم این بار فرماندهی سینمای دفاع مقدس را عوض کنیم و تو بیا بساز.» به لطف خدا و زحمت دوستان نتیجه‌ای مطلوب از «روز سوم» به دست آمد و مورد توجه مردم قرار گرفت.

پیش از پیشنهاد برای ساخت فیلم چقدر با شهید بروجردی آشنایی داشتید؟

به واسطه فعالیت‌هایی که در دوران دفاع مقدس داشتیم، نام محمد بروجردی را به عنوان یک فرمانده شاخص شنیده بودم. درباره‌اش مطالعه کردم و وقتی آقای حامد عنقا پیشنهاد ساخت «غریب» را داد، دوباره سراغ بررسی زندگی ایشان رفتم. فیلمنامه و مسیر آن هم روشن بود و

می‌دانستم قرار است شمایی محمد بروجردی و سبک متفاوت فرماندهی او را بسازیم. پس با آمادگی کامل کار کلید خورد. در مجموع شهید بروجردی را جزو آدم‌هایی می‌دانم که می‌فهمم چه کسی بوده است. در شرایط امروز، الگویی در این شخصیت‌ها هست؛ اگر درست به سمت آنها برویم.

چه چالش‌هایی برای ساخت این فیلم پیش‌رویتان بود؟

چالش‌های بسیار زیادی که کمترین ترکش‌های آن با محبت حامد عنقا به من برخورد کرد. بیشترین ترکش‌ها به او خورد تا این فیلم ساخته شود. خود ساخته شدن فیلم، یک معضل بود چه برسد به اینکه بخواهد به پدیده سینما نزدیک شود! کار از آغاز برحالی نبود و تا پایان ساخت فیلم هم چالش‌های بسیاری داشتیم. این موانع چه بود؟ پیش از یک دهه است که خبر می‌رسد گروه‌های مختلفی سراغ ساخت فیلم و سریال برای شهید بروجردی آمده‌اند و



برش

- من با عشق سراغ این پروژه آمدم. همه عوامل هم همین طور.
- سر فیلم «روز سوم» هم این حرف را گفته بودم که حضور شهدا را سر صحنه احساس می‌کردم. الان هم واقعا همین را می‌گویم که اگر این اتفاق سرانجام رخ داد و عملی شد، چیزی جدای از بروسه فیلم و فیلمسازی بود.
- می‌دانستم قرار است شمایی محمد بروجردی و سبک متفاوت فرماندهی او را بسازیم.

فیلمسازی به لغزش می‌رسدم، برپایه اشراق و اعتماد و توکل به خدا ادامه می‌دادم؛ حتی اگر دیگران می‌گفتند غلط است. مثلاً وقتی برخی سگانس‌های سریال «صاحب‌دلان» را می‌گرفتم، همه می‌گفتند داری چی کار می‌کنی؟ اما در آن لحظه یک حسسی به من می‌گفت کاری که می‌کنی غلط نیست و آن را ادامه بده. این بگویم من با عشق سراغ این پروژه آمدم. همه عوامل هم همین طور. عاشق نبودند، بلکه باید گفت برای عشق به معنای این نیست که بقیه عاشق نبودند، بلکه باید گفت برای حضور در این پروژه انگار هیچ انگیزه دیگری وجود نداشت. شاید و باز هم شاید این نگاه در دوستان دیگر نبوده است. من سر فیلم «روز سوم» هم این حرف را گفته بودم که حضور شهدا را سر صحنه احساس می‌کردم. الان هم واقعا همین را می‌گویم که اگر این اتفاق سرانجام رخ داد و عملی شد، چیزی جدای از بروسه فیلم و فیلمسازی بود که این اجازه را به ما داد. همیشه وقتی در

و فکر می‌کنید نتیجه مطلوب حاصل شده است؟

به زعم کسانی که نسخه‌ای از فیلم را دیده‌اند، این اتفاق رخ داده است. با این

حال من متأسفم در شرایطی این فیلم به تولید رسید که فضا بسیار و منتهب بود و ما مشکلات بسیاری برای ساخت

نماز به
الگوهای درست

در شرایط امروز، الگوهای در این شخصیت‌ها هست؛ اگر درست به سمت آنها برویم



گفت و گوی «ایران» با محمدحسین لطیفی که در تازه‌ترین تجربه کارگردانی اش سراغ شهید بروجردی رفت

«غریب» را عشق ساخته است

این فیلم داشتیم. این مشکلات از جانب تهیه‌کننده نبود بلکه به خاطر اتفاقاتی بود که در جامعه افتاد و به تبع آن، ما امکان خیلی از کارها را نداشتیم. می‌شود گفت ما هم در پروسه ساخت این اثر خیلی مظلوم و غریب بودیم. من از همه بچه‌های گروه تشکر می‌کنم که با به پای من آمده و با تمام سختی‌ها کنار آمدند. ما سعی کردیم نقصان‌ها کمتر شود ولی همه ما معتقدیم اگر در شرایط آرام‌تری این فیلم را می‌ساختیم نتیجه حتی خیلی بهتر از این می‌توانست باشد. اما فقط یک چیز برای من مهم است؛ اینکه مخاطب، شهید بروجردی را در پایان فیلم احساس کند. امیدوارم این اتفاق افتاده باشد.

جشنواره امسال شرایط عجیبی را تجربه کرده و برخی آن را تحریم کرده‌اند. شما چه نظری در این باره دارید؟

من پدای صحبت عزیزی در جلسه‌ای بودم. من با صحبت‌های آقای شهسوار عزیز شدیداً هم‌عقیده‌ام. ایشان پیرو و بزرگ من هستند و معتقدم بسیار به درستی گفتند که اساساً هنرمندانی که این‌گونه فضا را سیاسی می‌کنند، اول بایستی به صنفشان و حیات صنفشان نگاه کنند. متأسفانه خیلی‌ها حیات صنف سینما را نشانه گرفته‌اند و این اتفاق خوبی نیست.